

یادداشت‌های مطبوعاتی

یک کشتی اینجا نگر انداخته

علی احمدی



نشر شخصیت

یادداشت‌های مطبوعاتی

یک کشتی اینجا لنگر انداخته

علی احمدی

صفحه آرا و طراح جلد: سیامک ساسانیان
چاپ و صفحه‌آرایی: عیسیا انتظاری
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱
شماره‌ها: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۶۵-۱-۱
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

سرشناسه: ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: یک کشتی اینجا لنگر انداخته/ علی احمدی

مشخصات نشر: تهران: نشر شخصیت، ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۶۵-۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نشده

یادداشت: بالای عنوان یادداشت‌های مطبوعاتی

عنوان دیگر: یادداشت‌های مطبوعاتی

موضوع: احمدی، علی، ۱۳۵۷ - - یادداشت‌های مطبوعاتی و غیره

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸۴۵/۳ ج ۱/۳۸۳۳

رده بندی دیویی: ۸۴۸/۳۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۸۷۳۲۲

نشانی: خیابان مطهری، خیابان اورامان، پلاک ۴۳، واحد ۲ - تلفن: ۱۹۸۶-۸۸۳۰

تمامی حقوق مادی و معنوی این مجموعه محفوظ و متعلق به نشر شخصیت می باشد. هرگونه کپی برداری، چاپ، انتشار و استفاده بدون اجازه نامه کتبی معتبر از صاحب اثر، پیگرد قانونی خواهد داشت.

www.characterpublication.ir

فهرست

- ۷ ◇ ازدواج اول
- ۱۱ ◇ امامزاده ای در شرکت مخابرات
- ۱۵ ◇ به نام پیامبران
- ۱۹ ◇ جف دیروز امروز فردا، پایتختی برای شیعیان
- ۲۵ ◇ تقدیر غدیر
- ۲۹ ◇ سر و صداهای پشت پرده
- ۳۵ ◇ درباره طنز امروز
- ۳۹ ◇ دوست خوب خدا
- ۴۳ ◇ دولت آبادی
- ۵۵ ◇ سعدی در راه مکه
- ۶۱ ◇ سیصد و پنجاه و نه بعلاوه یک
- ۶۷ ◇ شبیه صور اسرافیل
- ۷۱ ◇ شهری خاکستری
- ۷۵ ◇ شیعه ما اطاعت خدا می کنند
- ۷۹ ◇ طرحی برای مصالحه
- ۸۳ ◇ عبید پرچمدار طنز فارسی
- ۸۷ ◇ آزادی خرمشهر=کلید بصره؟!
- ۹۱ ◇ مدرسه طلبه ها
- ۹۵ ◇ نوروز رمضان
- ۱۰۱ ◇ یک کشتی اینجا لنگر انداخته

ازدواج اول

«و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان، آرامش یابید و در میان آنان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند» آیا می شود هم پرهیزگار بود و هم مثاها، این سنوایی بود که بارها بودایسم و یا پیروان کلیسا و مسیحیت تحریف شده از خود می پرسیدند، علاقه جنسی ذاتاً پلید است و آمیزش جنسی حتی با همسر قانونی موجب تباهی و فساد می شود. باید یکی را برگزید.

بالاخره کلیسا ازدواج را به انگیزه تولید نسل و جلوگیری از فساد و فحشا جایز شمرد ولی همچنان آن را پلید می دانست و البته بودایسم که هنوز تصمیم درستی نگرفته بود.

می گویند نظریه افراطی درباره نیاز جنسی انسان در عصر جدید را باید در اندیشه های فروید و برتراند راسل سراغ گرفت. می گویند فروید تا آنجا پیش رفته که تمام رفتارهای انسانی را، از لحظه تولد تا هنگام مرگش، رنگ جنسی داده و بر این اعتقاد بوده است که اگر نویسنده ای به خلق آثار ادبی می پردازد و اثری می آفریند، همه نشأت گرفته از این غریزه است و تا آنجا که حتی انگیزه گرایش انسان به خالق نیز ریشه در آن دارد.

از آنچه که از میراث مکتوب مسلمانان برمی آید غریزه جنسی وسیله ای است تا او با پرداختن به آن در قالب ازدواج شرعی و قانونی بتواند در جهت هدف متعالی و حقیقی زندگی اش حرکت کند و ارضای معقول و صحیح آن که راه انحراف و

۸ ◇ یک کشتی اینجا لنگر انداخته

آلودگی را که موجب دور شدن از هدف زندگی است، ببندد و بالاخره کاری کند که نیمی از ایمانش را که تاکنون نداشته است به دست آورد.

در این تعالیم توجه به کانون خانواده برای رشد صحیح فرزندان و آرامش خاطر و امنیت روحی زوجین قابل توجه است، «و خدایی است که شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیایید.»

و این حکمت الهی بوده است که بقای نوع بشر و تولید مثل او را بر اساس این انگیزه و نیاز قرار داده است: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.»

همسرانی از جنس خود و فرزندان از جنس همسران و نوه هایی از جنس فرزندان، دو به دو زوج به زوج و این زوجیت نه تنها در مورد انسان بلکه به عنوان یک سنت و روش الهی در همه ممکنات و کائنات عالم رسم می شود؛ «و از هر چیز یک جفت آفریدیم شاید مذكر شوید.»

و در این میان محبت و علاقه جنسی، که ضامن بقای این زوجیت می شود «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد.» در این مسیر و در جایی به نام «بیت» محبت پدری گل می کند و جوشش مهر مادری سیراب، نوح که دلسوزانه از پسرش می گوید و موسی که به مادرش برمی گرداند تا آرام بگیرد و غمگین نباشد.

و بعد تا اینکه می رسمیم «به عشق حقیقی» و اینکه همه اینها در طول محبت اوست. می رسمیم به محبت خدا، حالا آنهایی که ایمان بیشتری دارند عشقشان به خدا نیز شدیدتر می شود یکی می شود راضیه یکی مرثیه. حالا اینجا بهشت است و آنها وارد «جنت» شده اند.

و بالاخره یوسف که قهرمان این داستان می شود. یوسف نکند تو مرد نیستی؟ آخر اگر مرد باشی که نمی توانی این گونه سرد باشی، یوسف گفت بانوی گرمی، من هیچ نقصی در وجودم نیست خدای بزرگ مرا بازمی دارد زیجا با تعجب گفت: مگر تو از «امون» خدای بزرگ مقدس تری، او این همه زن دارد، کاهنان این همه زن و دختر را برای او می پذیرند چطور است که تو از من می گریزی؟ و یوسف گفت: خدای من بزرگتر از «امون» است، خدایی است که نه به زن، نه فرزند و نه به معبدی که کاهنان مواظبتش می کنند به هیچ کدام نیاز ندارد، او می گوید به زنی که شوهر دارد چشم مینداز و از او کامجویی مکن. یوسف کاغذهای پایپروس را برداشت و با لحنی که قاطعیت داشت گفت: مرخص می شوم تا بانوی من بر سر

یک کشتی اینجا لنگر انداخته ◇ ۹

عقل آیند و مستی شان برطرف شود. اما او به دنبال یوسف دوید، یوسف با عجله فرار می کرد، زلیخا پیراهنش را گرفت و کشید، پیراهن شکافت و سرانجام یوسف گریخت. این می شود «حسن القصص» انسان ها، زاهدان، عارفان و سالکائی که به جنگ دیو نفس و شهوت می روند تا به لقاء... برسند به قرب الهی و عشق حقیقی، و یوسف که همچنان فرار می کرد و می گریخت، «حقیقتاً رستگار شد آن کس که نفس خویش را پاکیزه کرد.»

حالا اینجا بهشت است و آدم و حوا، که برای اولین بار ازدواجشان را در باغ های بهشت جشن می گیرند. «و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید و هر چه خواهید، و هر کجا خواهید از میوه های آن به سعادت و خوشی بخورید...» این می شود ازدواج اول و بعد اولین خانواده برای هابیل و قابیل و همین طور تا آخر. و محمد امین ۲۵ ساله که با خدا چه ۴۰ ساله به سادگی ازدواج می کند تا پیامبر باشد. این جمله او را بارها شنیده ایم: «النكاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»

